

# بازتاب اندیشه امشاسپندان در نظریه ارباب انواع شیخ اشراق

نادیا مفتونی<sup>۱</sup>

مرتضی درودی جوان<sup>۲</sup>

## چکیده

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا میزان آثار و نشانه‌های مستقیم و غیرمستقیم پنج امشاسپند را در مجموعه مصنفات شیخ اشراق بررسی میکند. پس از استقراء ویژگیهای عمومی و اختصاصی امشاسپندان با رجوع به منابع و متون مزدایی مانند *اوستا*، *بندهش* و سایر متون علمی و تحلیلی، به جستجوی این ویژگیها در آثار سهروردی پرداخته، همه مواردی را که ضمن آنها بصراحت از این امشاسپندان نامی بمیان آمده و نیز تمامی مواردی که ویژگیهای عمومی و اختصاصی امشاسپندان را دربردارند استخراج و شمارش کردیم و پس از محاسبه میزان فراوانی و بسامد ویژگیها و نشانه‌های هر یک از امشاسپندان به تحلیل محتوایی و مفهومی آنها پرداختیم. بر اثر این پژوهش، نتایج چندی بدست آمد که از آن میان میتوان به مشخص شدن تعداد اشارات مستقیم به امشاسپندان، نظم نسبی فراوانی نشانه‌ها بر اساس ترتیب امشاسپندان، ذکر امشاسپندان پنجگانه بعنوان عقول عرضیه با نظر به کارکرد رب‌النوعی آنها، اجتماع قویترین نشانه‌ها در متون فارسی و در ضمن یادکرد از قهرمانان اساطیری ایرانی اشاره کرد.

۱۴۷

۱. دانشیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ [nadia.maftouni@ut.ac.ir](mailto:nadia.maftouni@ut.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته دکتری ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی؛ [md.javan@ut.ac.ir](mailto:md.javan@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۷/۲/۹



کلیدواژه‌ها: امشاسپندان، اردیبهشت، شهرپور، اسفند، خرداد، امرداد، شیخ اشراق

\* \* \*

## مقدمه

شیخ اشراق بروشنی از اندیشه‌های فلسفی ایران باستان تأثیر پذیرفته و این امر مورد تأیید صاحب‌نظران است. هانری کربن ویژگی‌هایی اساسی برای حکمت اشراق برمی‌شمارد که عبارتند از: برقراری پیوند با حکمت الهی ایران باستان، تلفیق شناخت نظری و عرفانی در شاهره حکمت که لازمه احیای اندیشه الهی نور است و دستیابی به شناختی که شناخت نظری صرف نبوده، بلکه اشراق بشمار می‌آید.<sup>(۱)</sup> در هر سه ویژگی ذکر شده بهره‌گیری این فلسفه از مبانی و مفاد حکمت خسروانی مورد تأکید قرار گرفته است. تمایل به تفکر باستانی ایرانیان و اخذ حکمت از آن سامانه امری است که در جهت تداوم رشد و پیشرفت حکمت اسلامی و در مسیر مثبت سیر تطور آن قابل تحلیل است.<sup>(۲)</sup>

مؤید این امر تصریحاتی است که در جای‌جای آثار سهروردی بچشم می‌خورد و نه به زبان رمز و اشاره، بلکه چنان آشکار است که حتی از نظر خواننده غیرمتخصص پنهان نمی‌ماند. اشارات صریح به نام فرزندگان ایران باستان مانند زرتشت، جاماسب و فرشاوشر، ذکر نام پادشاهان اساطیری ایران باستان همچون کیومرث، کیخسرو، فریدون و ...<sup>(۳)</sup> و بالأخره ذکر برخی اصطلاحات مزدیسنا از جمله نام تمامی امشاسپندان و برخی از ایزدان<sup>(۴)</sup> اشاره به بعضی از باورهای باستانی ایران مانند بزرگ داشتن هورخش یا همان خورشید و به تعبیر سهروردی «نیر اعظم»<sup>(۵)</sup> که ذکر «خوره کیانی»<sup>(۶)</sup> همه حاکی از تأثیر این حکیم ایرانی مسلمان از حکمت خسروانی و نیز تعلق خاطر وی به این شیوه اندیشه‌ورزی است؛ چنانکه خود بارها به این تأثیر و تعلق خاطر اشاره می‌کند.<sup>(۷)</sup>

شواهد فوق به این مهم دلالت می‌کند که تشخیص ما درباره فلسفه سهروردی بعنوان نزدیکترین مکتب فلسفی ایران پس از اسلام به فرزاندگی و نهان‌گرایی ایران باستان تشخیصی درست بوده است. بر همین اساس جستجوی الفاظ، معانی و

۱۴۸



سال هشتم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۷

کارکردهای امشاسپندان، بعنوان مهمترین بُعد دینی و فرزانی ایران عهد باستان، در آثار سهروردی امری دور از صواب بنظر نمیرسد. در این جستار خواهیم کوشید که اشارات و نشانه‌هایی قطعی یا محتمل از حضور پنج مورد از این جاودانان مقدس را که نظریه ارباب انواع شیخ اشراق را تکمیل میکنند جستجو کنیم و کاوش در خصوص امشاسپند بهمن یا صادر اول را به جستاری مستقل وا مینهیم.

### تعریف امشاسپندان

یکی از بنیادهای فرهنگ و اندیشه در ایران باستان، موضوع امشاسپندان است. این واژه بمعنی «موجودات جاودانه مقدس» است که به شش یا هفت صفت مهم اهورامزدا اطلاق میشود. دلیل اینکه عدد این صفات یا آفریدگان مقدس را گاه هفت و گاه شش مورد شمرده‌اند این است که نخستین و برترین امشاسپند که «سپنته‌مینو» یا «سپندمینو» (اوستایی: spəntamainyu؛ فارسی میانه: spənāgmānōg) نام دارد، بسبب والایی و تقدس بسیار فاقد هرگونه نمود بیرونی و غیرمینوی بشمار رفته و تنها چونان خردی پاک و اهورایی متعلق به شخص خداوند دانسته شده است که واسطه و پیوندی پاک و پنهان میان ذات خداوند با جهان آفرینش محسوب میشود و بدلیل عدم نمود بیرونی در تفسیرهای متأخر گاه با ذات خداوند و گاه با امشاسپند بهمن یکی شمرده شده و گاه نیز از این مجموعه حذف شده است.<sup>(۸)</sup>

اما پس از سپند مینو، این شش صفت که در نگاه مزدایی بزرگترین، برجسته‌ترین و کارآمدترین صفات خداوند محسوب میشوند عبارتند از:

- ۱۴۹ بهمن (اوستایی: vohumanah، فارسی میانه: wahan)، بمعنی اندیشه نیک، آردیبهشت (اوستایی: ašavahišta، فارسی میانه: ardwahišt)، بمعنی برترین پاکی و راستی، شهریور (اوستایی: xšaθravairya، فارسی میانه: šahrēwar)، بمعنی شهریار آرمانی، اسفند (اوستایی: spəntāarmaiti، فارسی میانه: spandarmad)، بمعنی آرامش مقدس، خرداد (اوستایی: haurvatāt، فارسی میانه: hordād)، بمعنی کمال و سرانجام آرماد (اوستایی: amərətāt، فارسی میانه: amurdād)، بمعنی جاودانگی.<sup>(۹)</sup>

در این نوشتار حضور امشاسپندان پنجگانه بجز بهمن در متون مورد نظر در دو حوزه مورد مطالعه و بررسی قرار میگیرد: نخست، حضور امشاسپندان در قالب اشارات صریح و مستقیم که عمدتاً با ذکر نام هر یک از آنها همراه است و دوم نشانه‌های غیرمستقیم که مراد از آن، حضور معانی و کارکردهای هر یک از امشاسپندان بدون ذکر نام آنهاست که میتواند تقویت‌کننده احتمال تأثیرپذیری متن از اندیشه امشاسپندان باشد. بیان دیگر در آثار حکیم سهروردی نخست در صدد یافتن یادکردها و اشارات مستقیم مربوط به امشاسپندان بر خواهیم آمد و سپس به احصای موضوعی از متن خواهیم پرداخت که در آنها ویژگیهای امشاسپندان بگونه‌ی آشکار و معنی‌دار آمده است.

خواهیم دید که تعداد پنج ویژگی به عموم امشاسپندان تعلق دارد و هر یک از آنان نیز دارای ویژگیهای اختصاصی هستند. هر یک از مواضع موجود در متن را - که در بردارنده تمامی ویژگیهای عمومی امشاسپندان و دست‌کم یکی از اختصاصات هر امشاسپند و یا دارای ارزشی معادل با این مجموعه باشد - یک نشانه تلقی خواهیم نمود که نه حاکی از حضور قطعی امشاسپندان، بلکه گویای احتمال حضور یا تأثیرپذیری از این اندیشه بشمار میرود. اما پیش از پرداختن به هر یک از امشاسپندان ضروری است نخست به بررسی و معرفی ویژگیهای عمومی آنها بپردازیم:

### ویژگیهای عمومی امشاسپندان

امشاسپندان بعنوان بارزترین صفات و فروزه‌های اهورامزدا و یا برترین آفریدگان خداوند در سامانه باورشناختی مزدیسنا از ویژگیهای گوناگونی برخوردارند. از این

۱۵۰ میان، پنج ویژگی را بعنوان وجوه مشترک میان تمامی آنان برمی‌شمریم:

۱. همراهی و پیوند آنها با ذات خداوند بعنوان برجسته‌ترین صفات خدا یا نزدیکترین مخلوقات پروردگار به ذات اقدس او.<sup>(۱۰)</sup>
۲. برتری و سروری آنها نسبت به سایر پدیده‌ها، مفاهیم و مخلوقات، بعنوان ویژگی بارزی که حتی از نام و معانی لغوی آنها نیز آشکار است.<sup>(۱۱)</sup>



۳. همراهی همه و یا اغلب امشاسپندان با یکدیگر و حضور آنها در یک سامانه نظام‌مند دارای کارکردهای دینی، فلسفی، سیاسی، اجتماعی و ...<sup>(۱۲)</sup>

۴. تأکید و برجستگی لفظی و معنوی: این مورد از نتایج و لوازم دیگر ویژگیهای عمومی امشاسپندان بشمار میرود و دلیل ذکر آن نیز اهمیت فراوان موضوع امشاسپندان است که این اهمیت در یک متن معمولاً با انواع روشهای تأکید مانند تکرار، شرح و بسط معانی، استفاده از الفاظ مؤکد و ... نمایان میگردد. ما این ویژگی را تنها در صورت وضوح و برجستگی بسیار و یا همراهی با ویژگیهای دیگر لحاظ کرده‌ایم.

۵. تعلق و پیوند با فضای فکری، فرهنگی و تمدنی ایران باستان، این ویژگی در سنجش با سایر ویژگیهای عمومی، بخصوص در پژوهشی که مفاهیم مزدایی را در متون غیر زرتشتی پیگیری و جستجو میکند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. از همینرو ما ارزشی مضاعف یعنی دو امتیاز را در ارزشگذاری کمی برای آن لحاظ کرده‌ایم.

اکنون که نشانه‌ها و ویژگیهای مشترک امشاسپندان را دانستیم، در ادامه نیز به ویژگیها، معانی و کارکردهای هر یک از امشاسپندان مورد نظر میپردازیم:

### ویژگیهای اختصاصی امشاسپندان

برای اشه و هیسته یا اردیبهشت تعداد پنج ویژگی و کارکرد خاص را از متون و منابع گوناگون استخراج و احصا کرده‌ایم:

- راستی، درستی، پاکی اخلاقی و دوری از پلیدی و آلایش.<sup>(۱۳)</sup>

- پارسایی، زهد، دین‌ورزی، راه ایزدی.<sup>(۱۴)</sup>

- قانون، ضابطه، هنجار، تعادل و داد.<sup>(۱۵)</sup>

- رب‌النوع آتش.<sup>(۱۶)</sup>

- برترین حد زیبایی.<sup>(۱۷)</sup>

با غور و تأمل در متون مزدایی بمنظور جستن معانی و کارکردهای گوناگون امشاسپند شهربور، تعداد شش ویژگی را بعنوان اختصاصات این امشاسپند برمی‌شمریم:

- قدرت، قهر، غلبه، پیروزی و غنا.<sup>(۱۸)</sup>

- ولایت و قدرت معنوی، اهورایی و قدسی.<sup>(۱۹)</sup>
  - فرمانروایی دنیوی نیک و دادگرانه، رعیت‌نوازی و مردم‌داری.<sup>(۲۰)</sup>
  - رب‌النوع فلزات.<sup>(۲۱)</sup>
  - تسلط و چیرگی بر نفس و مهار هواهای نفسانی.<sup>(۲۲)</sup>
  - فرّ کیانی یا فرّ ایزدی.<sup>(۲۳)</sup>
- سپندارمذ یا اسفند نیز یکی دیگر از امشاسپندان است که با دقت در معانی و کارکردهای آن میتوان پنج ویژگی زیر را برای آن برشمرد:
- فروتنی، بردباری، بندگی، اخلاص، تعظیم و نیایش.<sup>(۲۴)</sup>
  - آرامش مقدس، عشق، شوق، لذت و جذبۀ معنوی.<sup>(۲۵)</sup>
  - پروردن، جود، بخشش و بخشایش.<sup>(۲۶)</sup>
  - نماد و نشانه جنس زن و زنانگی.<sup>(۲۷)</sup>
  - رب‌النوع زمین.<sup>(۲۸)</sup>
- بعنوان اصلترین ویژگیها و کارکردهای امشاسپند خرداد میتوان به این چهار مورد اشاره کرد:

- کمال، رسایی، پروردگی و تمامیت.<sup>(۲۹)</sup>
  - سلامت و آبادانی جهان و انسان.<sup>(۳۰)</sup>
  - همراهی همیشگی با امشاسپند امرداد یا مفهوم جاودانگی.<sup>(۳۱)</sup>
  - رب‌النوع آب.<sup>(۳۲)</sup>
- سرانجام اگر بخواهیم اختصاصات امشاسپند امرداد را بشناسیم و برشمریم باید به این موارد اشاره کنیم:

- جاودانگی، بقا و دوام.<sup>(۳۳)</sup>
- زندگانی مینوی، تمثیل آب حیات.<sup>(۳۴)</sup>
- همراهی همیشگی با امشاسپند خرداد یا مفهوم کمال و رسایی.<sup>(۳۵)</sup>
- رب‌النوع گیاه.

۱۵۲



جدول شماره ۱

ویژگیهای عمومی و اختصاصی امشاسپندان پنجگانه

عنوان	ویژگیهای عمومی	ویژگیهای اختصاصی اردیبهشت	ویژگیهای اختصاصی شهریور	ویژگیهای اختصاصی سپندارمذ	ویژگیهای اختصاصی خرداد	ویژگیهای اختصاصی امرداد
۱- الف	ارتباط و همراهی با خداوند					
۱- ب	برتری نسبت به سایر مظاهر خلقت					
۱- ج	پیوند و همراهی امشاسپندان با یکدیگر					
۱- د	تأکید و برجسته‌سازی					
۱- ه	راستی، درستی، پاکی اخلاقی	قدرت، قهر، غلبه، غنا	فروتنی، بردباری، آهستگی، بندگی، اخلاص، نیایش	کمال، رسایی، پروردگی و تمامیت	بقا، دوام، جاودانگی	
۱- و	پارسایی، زهد، دین ورزی، راه ایزدی	ولایت و قدرت معنوی	آرامش مقدس، عشق، شادی، لذت، جذبۀ معنوی	سلامت و آبادانی جهان و انسان	جاودانگی مینوی، بهشت و دوزخ، تمثیل آب حیات	
۱- ز	قانون، ضابطه، هنجار، تعادل و داد	فرمانروایی دنیوی نیک و دادگرانه،	پروردن، جود، بخشش و بخشایش	همراهی با مفهوم جاودانگی یا امرداد	همراهی با کمال یا خرداد	
۱- ح	نماد آتش	نماد فلز	نماد زن	نماد آب	نماد گیاه	
۱- ط	برترین حد زیبایی	تسلط بر نفس	نماد زمین			
۱- ی		فره ایزدی یا کیانی				
۲	تعلق به فضای فکری و فرهنگی ایران باستان					

۱۵۳



## اشارات و نشانه‌های امشاسپندان در آثار سهروردی

در این موضع به جستجوی ویژگیهای عمومی و اختصاصی امشاسپندان در آثار شیخ اشراق میپردازیم و هر موضع را که از تمامی ویژگیهای عمومی و دست کم یکی از ویژگیهای اختصاصی و یا از ارزشی معادل با آن برخوردار باشد بعنوان یک نشانه ملحوظ نموده و سرانجام تحلیل میکنیم.

سهروردی در سه موضع از آثار خود مستقیماً به اردیبهشت اشاره نموده و با ذکر نام از آن یاد میکند:

در مبحث مربوط به ارباب انواع در *المشارع والمطارحات* از اردیبهشت بعنوان رب النوع آتش نام برده و میگوید:

و هذا صاحب النوع النار هو الذي سمّاه الفرس اردیبهشت فأنّ الفرس كانوا  
اشدّ مبالغةً فی ارباب الانواع.<sup>(۳۶)</sup>

و آن رب النوع آتش است که پارسیان آن را اردیبهشت نامیده‌اند که پارسیان بیشترین مبالغه را در خصوص ارباب انواع روا میداشتند.

نام اردیبهشت بعنوان رب النوع آتش در کنار دو امشاسپند دیگر در *حکمة الاشراق* بچشم میخورد:

والاضواء المینویة ینابع الراى والخرة التي اخبر عنها الزرادشت ووقع خلصة  
الملک الصدیق کیخسرو المبارک الیها فشاهدها وحکماء الفرس کلهم متفقون  
علی هذا حتی أن الماء کان عندهم له صاحب صنم<sup>(۳۷)</sup> من الملکوت وسمّوه  
خرداد وما للأشجار سمّوه مرداد وما للنار سمّوه اردیبهشت.<sup>(۳۸)</sup>

و پرتوهای مینوی همان منابع و معادن نور قدسی و الهی هستند که زرتشت از آنها خبر داده و خلسه و جذبۀ معنوی کیخسرو، آن پادشاه راست و خجسته، بر آن واقع شده و وی آن انوار قدسی را مشاهده کرده است. فرزنانگان فارس همگی در ۱۵۴ باور به نظریۀ ارباب انواع با یکدیگر هم‌داستان هستند. چنانکه عنصر آب را دارای رب النوعی به نام خرداد و نوع گیاه را دارای رب النوعی به نام مرداد و آتش را نیز صاحب مدبری ملکوتی بنام اردیبهشت میدانند.

در جای دیگر از اردیبهشت بعنوان نگاهبان و رب النوع آتش که برترین عنصر در میان عناصر اربعه<sup>(۳۹)</sup> است یاد کرده و میگوید:

والنار ذات النور شریفةً لنوریتها، و هی التي اتفقت الفرس علی انها طلسم.<sup>(۴۰)</sup>





اردیبهشت و هو نور قاهر فیاض لها.<sup>(۴۱)</sup>

و آتش که نورانی و بسبب نورانیش عنصری شریف است و همین عنصر است که بنا به رأی جمیع حکمای فارس تحت تدبیر و فیض دائم رب النوع و نور قاهری به نام اردیبهشت است.

علاوه بر اشارات مستقیم، نشانه‌های امشاسپند اردیبهشت نیز در آثار شیخ اشراق بررسی شده که در جدول ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

### جدول شماره ۲

#### نشانه‌های امشاسپند اردیبهشت در آثار سهروردی

ردیف	نشانه‌ها	جمع امتیازات	نشانی
۱	اج، اد، اه، او، از، ۲	۷	ج: ۲: ۱۵۴ - ۱۵۶
۲	الف، اب، اج، اد، اه، ۲	۷	ج: ۲: ۲۲۳ - ۲۲۶
۳	الف، اب، اج، اد، اه، او، از، ۲	۹	ج: ۲: ۲۲۷ - ۲۲۹
۴	اب، اج، اد، اه، او، ۲	۷	ج: ۲: ۲۴۴ - ۲۴۷
۵	الف، اب، اج، اد، اه، از، ۲	۸	ج: ۳: ۱۷۷ - ۱۷۸
۶	الف، اب، اج، اد، اه، او، از، ۲	۹	ج: ۳: ۱۸۵ - ۱۸۶
۷	الف، اب، اج، اد، اه، او، از، اط، ۲	۱۰	ج: ۳: ۱۸۷ - ۱۸۸
۸	الف، اب، اج، اد، اه، اح، ۲	۸	ج: ۲: ۱۹۷ - ۱۹۸

اینک نوبت به امشاسپند شهریور میرسد. سهروردی تنها یکبار در حکمة‌الاشراق بطور مستقیم از امشاسپند شهریور نام برده است:

و هورخش الذی هو طلسم الشهریور نورٌ شدید الضوء فاعل النهار رئیس  
السماء واجبٌ تعظیمه فی سنت الاشراق ما ازداد علی الكواكب بمجرد المقدار  
و القرب بل بالشدّة فانّ ما یتراى من الثوابت باللیل و باقی السیارات مقدار  
مجموعها أكثر من الشمس بما لا یتقایس و لا یفعل النهار.<sup>(۴۲)</sup>

۱۵۵

و هورخش (خورشید) که تحت تدبیر امشاسپند شهریور است، دارای نور و پرتوی شدید، پدیدآورنده روز و پادشاه آسمان است که بزرگداشت آن در سنت اشراق ضروری است. بزرگی قدر آن نه تنها بدلیل بزرگی مقدار آن نسبت به سایر اجرام سماوی، بلکه بسبب شدت نورانیت آن است. همانا مقدار مجموعه ثوابتی که شبانگاه دیده میشوند و دیگر سیارات بسی بیشتر از اندازه خورشید است؛ حال آنکه



با خورشید سنجیدنی نیست و روز از آن پدید نمی‌آید. سه‌روردی در این عبارات به اقتدار و عظمت نورانی و روحانی اشاره میکند. وی شه‌ریور را نماد قدرت مینوی میداند که با افاضه نور از جانب حضرت نورالانوار همراه است. او در میان سلسله انوار قاهره عرضی بلحاظ میزان قهر و غلبه بر مراتب مادون، قائل به مراتبی است که برترین و قویترین آنها را امشاسپند شه‌ریور میداند و هورخش یا خورشید را طلسم یا صنم آن بشمار می‌آورد و قدرت و نورانیت آن را نشانه‌یی از اقتدار شه‌ریور محسوب مینماید.<sup>(۴۳)</sup>

نشانه‌های شه‌ریور در آثار شیخ اشراق در جدول زیر ارائه میگردد:

### جدول شماره ۳

#### نشانه‌های امشاسپند شه‌ریور در آثار سه‌روردی

ردیف	نشانه‌ها	جمع امتیازات	نشانی
۱	الف، اب، اج، اد، اه، او، ای، ۲	۹	ج: ۱-۵۰۰-۵۰۴
۲	الف، اج، اد، او، اط، ۲	۷	ج: ۲-۹-۱۲
۳	الف، اب، اج، اد، اه، او، اط، ۲	۹	ج: ۲-۲۱۱-۲۱۴
۴	الف، اب، اج، اه، او، ۲	۷	ج: ۲-۲۴۴-۲۴۷
۵	الف، اب، اج، اد، اه، او، اط، ای، ۲	۱۰	ج: ۳-۸۳-۸۴
۶	الف، اب، اج، اد، اه، او، ۲	۸	ج: ۳-۱۰۴-۱۰۵
۷	الف، اب، اج، اد، اه، او، از، اط، ای، ۲	۱۱	ج: ۳-۱۸۵-۱۸۶
۸	الف، اب، اج، اد، اه، او، از، اط، ای، ۲	۱۱	ج: ۳-۱۸۷-۱۸۸
۹	الف، اج، اد، اه، او، ای، ۲	۸	ج: ۳-۲۹۸-۲۹۹

سپندارمذ نیز مورد تصریح شیخ بوده است. وی در حکمة الاشراق در بحث از سلسله عرضیه انوار و ارباب انواع از سپندارمذ بعنوان رب النوع زمین یاد میکند که تمامی عناصر موجود در زمین به وی باز میگردد. او سپندارمذ را همچون کدبانویی میداند که زایش و پرورش همه عناصر و موالید را در عالم عنصری بعهده دارد:

ولمّا كان الغالب علي هذه الأشياء الجوهر الأرضي - لحاجتها الي حفظ الاشكال و القوي، - كان اسفندارمذ و هو النور القاهر الذي طلسمه الارض -

۱۵۶



سال هشتم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۷

كثير العناية بها. و لما كان صنمه منفلا عن الجميع لنزول رتبه، كان حصّة كدبانويته أي اسفندارمذ عن كل صاحب صنم حصّة الاناث.<sup>(۴۴)</sup>

و اگرچه بر سایر عناصر طبیعی رب النوعهای دیگری غیر از سپندارمذ غالب است، لیکن بعلت احتیاج آنها به حفظ اشکال و قوای خود که بدون غلبه جزء زمینی غیرممکن است، ناگزیر سپندارمذ نیز که کره زمین طلسم و تحت تدبیر و عنایت خاص آن است در همه آنها تدبیر میکند و چون رب النوع مزبور نوری قاهر است که زمین، صنم و پیکر آن است، حفظ اشکال موالید سه گانه<sup>(۴۵)</sup> را بسبب فیض و عنایت خود به زمین بر عهده دارد. از آنجا که زمین از همه عناصر بجهت نزول رتبه اش قبول تأثیر و انفعال میکند، به همین نسبت نیز رب النوع آن هم از دیگر ارباب انواع، قبول اثر میکند. بنابراین سپندارمذ در تأثیر و انفعال همانند تأثیرپذیری زن است از مرد و از اینرو حصه و سهم سپندارمذ، کدبانویی گیتی و تأثیر از سایر انوار قاهره است.

این تنها موردی است که سهروردی با ذکر نام از امشاسپند اسفند یاد میکند که البته در همین موضع دو بار نام این امشاسپند را برده است. جدول نشانه‌های اسفند به شرح زیر است.

#### جدول شماره ۴

##### نشانه‌های امشاسپند سپندارمذ در آثار سهروردی

ردیف	تاریخ	مجموع اشارات	ردیف	تاریخ	مجموع اشارات	ردیف	تاریخ
۱	الف، اب، اج، اد، او، ۲	۷	ج ۱: ۵۰۴ - ۵۰۰	۶	الف، اب، اج، اد، او، ۲	۸	ج ۳: ۸۳ - ۸۴
۲	الف، اب، اج، اد، او، ۲	۷	ج ۲: ۲۲۶ - ۲۲۳	۷	الف، اب، اج، اد، او، ۲	۸	ج ۳: ۱۰۴ - ۱۰۵
۳	اب، اج، اد، او، اط، ۲	۷	ج ۲: ۲۲۹ - ۲۲۷	۸	الف، اب، اج، اد، او، از، ۲	۹	ج ۳: ۱۸۷ - ۱۸۸
۴	الف، اب، اج، اد، او، از، ۲	۹	ج ۲: ۲۴۷ - ۲۴۴	۹	الف، اب، اج، اد، او، از	۷	ج ۴: ۱۲۹ - ۱۳۱
۵	الف، اب، اج، اد، او، از	۷	ج ۲: ۲۵۲ - ۲۴۸	۱۰	الف، اب، اج، اد، او، از	۷	ج ۴: ۲۲۹ - ۲۳۰

۱۵۷

سهروردی در حکمة الاشراق در یک مورد، ضمن بحث از ارباب انواع، از امشاسپند خرداد در کنار اردیبهشت و مرداد نام میبرد که ما در مبحث مربوط به امشاسپند اردیبهشت عین عبارات وی را نقل کردیم. وی در این موضع از کارکرد خرداد در گیتی یعنی نگاهبانی از آب بعنوان رب النوع آن سخن میگوید.<sup>(۴۶)</sup>

#### جدول شماره ۵

#### نشانه‌های امشاسپند خرداد در آثار سهروردی

ردیف	نشانه‌ها	جمع امتیازات	نشانی
۱	الف، اب، اج، اد، اه، ۲	۷	ج ۱: ۵۰۰ - ۵۰۴
۲	الف، اب، اج، اد، اه، ۲	۷	ج ۲: ۲۱۱ - ۲۱۴
۳	الف، اب، اج، اد، اه، از، ۲	۸	ج ۲: ۲۲۳ - ۲۲۶
۴	الف، اب، اج، اد، اه، ۲	۷	ج ۲: ۲۲۷ - ۲۲۹
۵	الف، اب، اج، اد، اه، از، ۲	۸	ج ۲: ۲۴۴ - ۲۴۷
۶	الف، اب، اج، اد، اه، او، ۲	۸	ج ۳: ۱۸۵ - ۱۸۶
۷	الف، اب، اج، اد، اه، او، از، ۲	۹	ج ۳: ۱۸۷ - ۱۸۸

ذکر نام مرداد یا امرداد در آثار سهروردی منحصر به همان یکبار است که از آن به همراه دو امشاسپند اردیبهشت و خرداد یاد میکند و به کارکرد امرداد در گیتی اشاره مینماید که عبارت است از رب النوعی گیاهان و نگاهبانی از آنان.<sup>(۴۷)</sup> از آنجا که عین عبارات سهروردی را در موضع دیگری پیش از این نقل کرده‌ایم از نقل دوباره آن صرف نظر میکنیم.

#### جدول شماره ۶

#### نشانه‌های امشاسپند امرداد در آثار سهروردی

ردیف	نشانه‌ها	جمع امتیازات	نشانی
۱	الف، اب، اج، اد، اه، از، ۲	۷	ج ۲: ۲۱۱ - ۲۱۴
۲	الف، اب، اج، اد، اه، از، ۲	۸	ج ۲: ۲۲۳ - ۲۲۶
۳	الف، اب، اج، اد، اه، از، ۲	۸	ج ۲: ۲۴۴ - ۲۴۷
۴	الف، اب، اج، اد، اه، او، از، ۲	۹	ج ۳: ۱۸۷ - ۱۸۸

۱۵۸



## بررسی تحلیلی نظریه امشاسپندان یا ارباب انواع نزد سهروردی

نظریه امشاسپندان تکمیل‌کننده نظریه ارباب انواع اشراقی است. هر چند همواره آراء اشراقی به ایران باستان نسبت داده میشود، اما بررسی دقیق، آماری و مستند این ارتباط اهمیت خود را دارد. دیدیم که سهروردی در سه موضع از مکتوبات خود از اردیبهشت نام میبرد و در هر سه مورد نیز آن را بعنوان رب‌النوع آتش مدنظر قرار میدهد. در عباراتی که نقل شد گونه‌ی توقیر و تعظیم مؤکد ملاحظه میشود که میتواند به مجانست آتش و نور بازگردد. از یکسو نور از آتش و ملازم آن است و از سوی دیگر نشانه و نمادی از وجود بسیط و بعنوان مثل اعلی ممثّل ذات اقدس نور الانوار است.<sup>(۴۸)</sup> نوع یادکرد خاص سهروردی از هورخش<sup>(۴۹)</sup> یا نیر اعظم<sup>(۵۰)</sup> نیز مؤید دیگری بر این امر محسوب میشود.

نکته دیگر آنکه ذکر صریح اردیبهشت در آثار سهروردی از اینرو که از کارگزاران خداوند در طبیعت است واجد ویژگی عمومی «الف»، بدلیل رب‌النوع بودن و سروری آن بر عنصر آتش دارای ویژگی «ب»، بدلیل همراهی با دو امشاسپند دیگر دارای ویژگی «ج»، بدلیل بیان استدلالی و نیز تصریح سهروردی به ارزش و اهمیت فوق‌العاده حکمای پارس برای ارباب انواع واجد ویژگی «د»، بسبب تعلق آن به سامانه فکری ایران باستان دارای ویژگی «۲» و بالأخره از میان ویژگیهای اختصاصی نیز دارای ویژگی «ح» یا ارتباط با نماد آتش است.

نکته بعدی اینکه در جدول نشانه‌های استوار که کمترین نشانه در این جدول کد ۷ و بالاترین آنها کد ۱۰ را نشان میدهد، تعداد ۸ نشانه را جمع‌آوری کرده‌ایم. از مطالعه این جدول درمیابیم که تمامی ۸ نشانی موجود در این جدول دارای خصوصیات «ج، ۱، د، ۱، ۲» هستند. بنابراین همه آنها اولاً، در کنار نشانه‌های ۱۵۹ سایر امشاسپندان و در یک سامانه قرار گرفته‌اند. ثانیاً، همه آنها در متن با نوعی تأکید و برجستگی همراه هستند که بی‌شک این تأکید به استدلالها و بحثهای مبسوط و مفصل موجود در متن باز میگردد. ثالثاً، تمامی موارد با فضای فکری ایران باستان در پیوندند و سرانجام همگی حاوی نخستین و معمول‌ترین معنای اردیبهشت، یعنی پاکی، راستی و دوری از آرایش بشمار میروند. بقیه ویژگیها بترتیب فراوانی آنها در



جدول مزبور عبارتند از: «ا ب» یعنی معنای برتری از سایر مظاهر خلقت با هفت بار تکرار، «الف» یعنی همراهی و پیوند با مفهوم خداوند با شش بار تکرار، ویژگیهای «ز» یعنی ضابطه و داد و «ا و» یعنی پارسایی و دین‌ورزی با پنج بار تکرار و درنهایت دو ویژگی «ا ح» یعنی نماد آتش و «ا ط» یعنی منتهای زیبایی تنها با یک بار آمدن و بدون تکرار.

بالاترین ارزش در میان نشانه‌های امشاسپند اردیبهشت، متعلق به نشانه شماره هفت است که همه ویژگیها جز ویژگی «ا ح» یعنی نماد آتش را در خود جمع کرده است. این نشانه برگرفته از جلد سوم مجموعه مصنفات شیخ اشراق، (صفحات ۱۸۷ - ۱۸۸) و آخرین مبحث الواح عمادی است.

دیدیم که امشاسپند شهریور تنها یکبار بطور صریح و با ذکر نام در آثار سه‌وردی آمده است. با نظر به خصوصیات عمومی و اختصاصی این امشاسپند میتوان گفت که اولاً، ارتباط شهریور در این یک موضع با مفهوم خداوند بسیار واضح و بارز است، از اینرو واجد ویژگی «الف» محسوب میشود. ثانیاً، بدلیل اشمال آن بر مفهوم برترین قدرت ایزدی و نیز برترین نور در میان انوار قاهره عرضیه دارای ویژگی «ا ب» بشمار می‌آید. ثالثاً، تعظیم و توقیر فراوانی که سه‌وردی برای آن قائل است گویای حضور ویژگی «اد» و همینطور تعلق آن به فضای فکری ایران باستان نیز نشاندهنده ویژگی «ا ۲» است. از میان ویژگیهای اختصاصی نیز هر دو مفهوم «ا ه» یعنی قدرت و قهر و غلبه و هم «ا و» یعنی ولایت قدسی را دربردارد.

نکته دیگر آنکه در جدول نشانه‌های امشاسپند شهریور تعداد ۹ نشانه جمع آمده است که از این میان کمترین ارزش با امتیاز ۷ و قویترین موارد نیز با امتیاز ۱۱ نشان داده شده‌اند. در جدول نشانه‌های استوار بیشترین بسامد از میان ویژگیهای عمومی و اختصاصی به ویژگیهای «الف، ا ج، ا و، ۲» تعلق دارد. به بیان دیگر، تمامی نشانه‌های استوار امشاسپند شهریور با مفهوم خداوند در پیوندند، در سامانه امشاسپندان قرار دارند، با مفهوم ولایت و قدرت معنوی ارتباط دارند و نیز به حال و هوای فرهنگی ایران باستان اشاره میکنند. رتبه‌های بعدی از حیث میزان بسامد به ویژگیهای «ا د، ا ه، ا ب، ا ط، ا ی، ا ز» تعلق دارد. کمترین بسامد از آن ویژگی



شهریاری دنیوی است و ویژگی همراهی با نماد فلز نیز هیچ کاربردی نیافته است. اندک بودن مفهوم پادشاهی دنیوی و فرۀ کیانی با رویکرد سهروردی نسبت به امر اقتدار و نیز عدم عنایت خاص وی به امور و مفاهیم مادی و طبیعی منطبق است. دو مورد از نشانه‌ها یعنی شماره‌های ۷ و ۸ بیشترین امتیاز یعنی امتیاز ۱۱ را در میان سایر نشانه‌ها احراز کرده‌اند. این دو نشانه مربوط به جلد سوم از مجموعه *مصنفات شیخ اشراق، الواح عمادی*، (صفحات ۱۸۵ - ۱۸۸) است. در این دو نشانه تمامی ویژگیها جز ویژگی «ح» یعنی نماد فلز حضور دارند.

در مواردی که سهروردی بطور مستقیم و آشکار از سپندارمذ نام برده است، جز ویژگی «ج» یعنی همراهی با دیگر امشاسپندان، بقیۀ ویژگیهای عمومی را در خود جمع کرده است؛ چرا که کارگزار خداوند در طبیعت بعنوان یکی از ارباب انواع و انوار قاهره، سرور و سرپرست عنصر خاک و نیز مورد تأکید، تکرار و استدلال نویسنده است. از لحاظ ویژگیهای اختصاصی نیز واجد خصوصیات «۱ ز» یعنی زایش و پرورش، نیز «ح» و «ط» یعنی نمادهای زن و زمین است.

چنانکه از مطالعه جدول فوق دریافت میشود، تعداد ۱۰ نشانه را از مجموعه آثار سهروردی استخراج کرده‌ایم. از میان ویژگیهای عمومی و اختصاصی امشاسپند سپندارمذ بیشترین بسامد بطور مشترک متعلق به ویژگیهای «۱ ب»، «۱ ج»، «۱ د»، «۱ و» است. این نکته به این معناست که تمامی این نشانه‌ها اولاً، دست‌کم در یکی از معانی سپندارمذ، از برتری بر سایر پدیده‌ها برخوردارند. ثانیاً، در کنار سایر امشاسپندان حضور دارند؛ ثالثاً، مورد تأکید نویسنده واقع شده‌اند. رابعاً، همگی آنها حاوی مفهوم عشق و لذت والای معنوی و عرفانی هستند. سایر ویژگیها نیز بترتیب بسامد تکرار عبارتند از ویژگیهای «۱ الف»، «۱ ه»، «۲»، «از، اط».

۱۶۱

حضور ۹۰ درصدی ویژگی «۱ الف» و نیز حضور ۷۰ درصدی ویژگی «۲» میتواند نشانه‌یی از غلبۀ حضور مفهوم عشق الهی و عرفانی همراه با رنگ و بوی معنویت ایرانی در منظومۀ فکری سهروردی تلقی گردد.

بیشترین امتیاز در میان نشانه‌های استوار به دو نشانه، شماره‌های «۴» و «۸» تعلق دارد. نخستین مورد مربوط به جلد دوم مجموعه *مصنفات*، (صفحات ۲۴۴ - ۲۴۷)

مبحث «فصل مسطور فی لوح الذکر المبین» و دومین مورد نیز مربوط به جلد سوم مجموعه، الواح عمادی، (صفحات ۱۸۷ - ۱۸۸) است که اشاره شد.

در تنها موردی که اشاره صریح به امشاسپند خرداد دیده میشود، تمامی ویژگیهای عمومی، یعنی کارگزاری ایزد، برتری و سروری، همراهی با امشاسپندان دیگر، تأکید، تعلق به سامانه فکری ایران باستان، بعلاوه ویژگی اختصاصی نماد آب در آن بچشم میخورد.

در جدولی که به نشانه‌های امشاسپند خرداد تعلق یافته است، تعداد هفت نشانه گرد آمده که بلحاظ ارزش ناشی از واجد بودن ویژگیهای مختلف از کد ارزشی ۷ تا ۹ متغیر است. با دقت در جدول فوق میتوان دریافت که تمامی نشانه‌های این جدول ضمن برخورداری از ارتباط با مفهوم خداوند، ارجحیت و برتری، حضور در جمع امشاسپندان، تأکید و برجستگی در متن و همینطور ارتباط با فضای فکری ایران باستان، دارای معنی و مفهوم کمال و رسایی هستند که معمولترین و معروفترین معنی و کارکرد امشاسپند خرداد محسوب میشود. سپس ویژگیهای «۱ ز» و «۱ و» قرار دارند و ویژگی «۱ ح» نیز در این جدول دیده نمیشود. در میان ۷ نشانه استوار بیشترین ارزش و امتیاز متعلق به نشانه شماره ۷ است که به مبحثی در جلد سوم از مجموعه مصنفات، (صفحات ۱۸۷ - ۱۸۸) تعلق دارد. این نشانه واجد تمامی ویژگیها جز ویژگی «۱ ح» یعنی همراهی با نماد آب است.

تصریح به امشاسپند امرداد نیز همانند امشاسپند خرداد واجد همه ویژگیهای عمومی به همراه ویژگی اختصاصی نماد گیاه است. در جدول نشانه‌های امشاسپند امرداد شاهد حضور چهار نشانه هستیم که بلحاظ ارزش و بهره‌مندی از ویژگیهای عمومی و اختصاصی کدهای ۷ تا ۹ را شامل شده است. در این جدول هر چهار ۱۶۲ ویژگی عمومی و ویژگیهای اختصاصی «۱ ه» و «۱ ز» دارای فراگیری مطلق هستند.

بنابراین هر چهار نشانه در این جدول خصوصیات الهی بودن، برتری، حضور در جمع امشاسپندان، تأکید، جاودانگی و همراهی با امشاسپند خرداد را دارا هستند. تنها در یک مورد از آنها به مفهوم ابدیت مینو و تمثیل آب حیات اشاره شده است و نماد گیاه نیز از این جدول غایب است.

بالاترین ارزش در میان نشانه‌های فوق به نشانه شماره ۴ تعلق دارد که به جلد





سوم مجموعه مصنفات، الواح عمادی، (صفحات ۱۸۷ - ۱۸۸)، مربوط است. این نشانه واجد تمامی ویژگیها جز «ح ۱» یا همان همراهی با مفهوم گیاه است.

### نتیجه گیری

۱. سهوردی نام هر شش امشاسپند را برده است. از این میان، بیشترین بسامد از آن اردیبهشت است که شیخ در سه موضع جداگانه به نام این امشاسپند اشاره کرده است. پس از آن سپندارمذ یا اسفندارمذ قرار دارد که اگرچه در یک موضع از آن سخن رفته، اما در همان موضع دو بار نام وی برده شده است. سایر امشاسپندان نیز تنها یکبار در متن آثار سهوردی حضور یافته‌اند.

۲. سهوردی از هر شش امشاسپند بعنوان موجودات شخصیت یافته متعالی یاد کرده است. از این میان پنج امشاسپند مگر بهمن از حیث کارکرد رب‌النوعی مورد توجه قرار گرفته‌اند و تنها بهمن بعنوان سرسلسله عقول طولیه و صادر اول ذکر شده است که به همین سبب این موضوع را در جستاری دیگر به فراخی خواهیم کاوید.

۳. از میان امشاسپندان مورد بررسی در این پژوهش بیشترین تعداد نشانه‌ها به اسفند تعلق دارد که تعداد ۱۰ نشانه را از آن خود کرده است. پس از آن شهریور با ۹ نشانه، اردیبهشت با ۸ نشانه، خرداد با ۷ و امرداد با ۴ نشانه در رده‌های بعدی جای میگیرند.

اگر بخواهیم این ترتیب بسامدی را بلحاظ معنایی تحلیل کنیم، شاید حاکی از این نکته باشد که بیشترین میزان تکرار و کاربرد از میان این مفاهیم ششگانه در آثار شیخ اشراق به عنصر عقل، دانش و حکمت تعلق دارد. پس از آن مفاهیم شوق و لذت عرفانی، ولایت و اقتدار معنوی، پاکی و راستی، کمال و رسایی و سرانجام جاودانگی در رده‌های بعدی قرار میگیرند. همچنین اگر ترتیب طولی امشاسپندان را

۱۶۳

بعنوان یک اصل مد نظر قرار دهیم، نشانه‌های مزبور از این حیث تا حد زیادی به سامان بنظر میرسند؛ چنانکه نشانه‌های مربوط به بهمن در رده نخست، شهریور در رده سوم، خرداد و امرداد نیز در رده‌های پنجم و ششم جای گرفته‌اند و تنها در میان دو امشاسپند اردیبهشت و سپندارمذ جابجایی دیده میشود.

۴. بالاترین بسامد نشانه‌های عمومی در میان تمامی نشانه‌های موجود در هر



دوازده جدول به ویژگی « ۱ ج » یعنی همراهی با سایر امشاسپندان تعلق یافته است. دومین بسامد متعلق به ویژگی « ۱ د » یعنی تأکید و برجستگی است. سومین ویژگی عمومی از حیث کاربرد و تکرار، « ۱ الف » یعنی همراهی و پیوند با مفهوم خداوند است. ویژگیهای « ۱ د، ۱ ب، ۲ » بترتیب در رده‌های بعدی قرار میگیرند. میبینیم که خصوصیت ارتباط با فضای فکری ایران باستان با وجود نهایت اهمیت و ارزشی که دارد، کمترین میزان تکرار و پایستری بسامد را در جمع ویژگیهای عمومی به خود اختصاص داده است که البته با رویکرد سهروردی و نظام فلسفی او که به سامانه و مجموعه حکمت اسلامی تعلق دارد هماهنگ است.

۵. اغلب قویترین نشانه‌های یاد شده به جلد سوم، مجموعه مصنفات ترجمه کتاب *الواح عمادی*، لوح رابع، مبحث «فی النظام و القضاء والقدر» (صفحات ۱۸۵ - ۱۸۸) تعلق دارد. سهروردی در این موضع ضمن یاد کردن از «کیان خوره» یا همان «فره کیانی»، از بزرگترین فرزندگان و پادشاهان فرهمند پارس مانند فریدون و کیخسرو نام برده، فضایل مینوی و شیوه شهریاری ایزدی آنان را برمی‌شمرد. به بیان دیگر، میتوان گفت در آثار سهروردی مواضعی که بیشترین ویژگیهای امشاسپندان در آن گرد آمده، مواردی است که اولاً، به زبان فارسی نگارش یافته و ثانیاً، در ضمن آن فضایل و بزرگیهای برترین شخصیت‌های اساطیری ایرانی، بویژه کیخسرو، نمونه بارز انسان کامل در اندیشه ایرانی یاد شده است.

#### پی‌نوشتها:

۱. کرین، هانری، *آفاق تفکر معنوی در ایران اسلامی*، ترجمه باقر پرهام، ص ۲۱۴.
۲. طباطبائی، سیدجواد، *درآمدی فلسفی بر اندیشه سیاسی در ایران*، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.
۳. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۵۰۰ - ۵۰۴؛ ج ۳، ص ۱۸۵ - ۱۸۸، ص ۲۹۸ - ۳۰۰.
۴. همان، ج ۲، ص ۱۲۸ و ۱۵۷؛ ج ۳، ص ۳۱۹.
۵. همان، ج ۲، ص ۱۵۰؛ ج ۳، ص ۱۷۷ - ۱۸۰.
۶. همان، ج ۱، ص ۵۰۴.
۷. همان، ج ۱، ص ۵۰۰ - ۵۰۴.
۸. بهار، مهرداد، *پژوهشی در اساطیر ایران*، ص ۹۴؛ شیرخدایی، ملیحه؛ قنبری، بخش علی، «نامهای اهورامزدا در اوستا»، پژوهش‌نامه ادیان، ص ۸۶؛ نقل از: Boyce, M., *A History of Zoroastrianism*, vol.1, pp.2, 69-71.



۹. اوشیدری، جهانگیر، *دانشنامهٔ مزدیسنا*، ص ۱۱۹، ۲۱۲، ۳۰۲، ۳۱۶ و ۴۴۸. همچنین دربارهٔ شکل صحیح آوانویسی واژه‌های پهلوی و اوستایی ر.ک: مکنزی، دیوید نیل، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، *Altiranisches Wörterbuch, Bartholomae*
۱۰. مهر، فرهنگ، دیدی نو از دینی کهن، ص ۱۷ - ۲۳؛ بويس، مری، زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، ص ۴۷.
۱۱. بويس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، ص ۴۶؛ *دانشنامهٔ مزدیسنا*، ص ۱۱۹، ۲۱۲، ۳۱۲، ۳۱۶ و ۴۴۸.
۱۲. یسنا، ۴۷، ۲؛ بهار، مهرداد، بندهش، ص ۴۸؛ دیدی نو از دینی کهن، ص ۲۳؛ سخایی، مژگان، «آموزهٔ توحید در دین زرتشتی»، حکمت سینوی، ش ۲۳، ۱۴۰؛ زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ص ۴۵ - ۴۷؛ سرکاراتی، بهمن، «بنیان اساطیری حماسهٔ ملی ایران»، *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ش ۱۲۵، ص ۲۴.
۱۳. یسنا، ۳۵، ۲؛ ایرانی، دین‌شاه، *فلسفهٔ ایران باستان*، ص ۹۸؛ «آموزهٔ توحید در دین زرتشتی»، حکمت سینوی، ش ۲۳، ص ۱۴۰.
۱۴. یسنا، ۴۹، ۹؛ بندهش، ص ۱۱۱؛ هینلز، جان، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، ص ۷۲.
۱۵. *شناخت اساطیر ایران*، ص ۷۲؛ دیدی نو از دینی کهن، ص ۱۴؛ خورشیدیان، اردشیر، *جهان‌بینی اشو زرتشت پیام‌آور ایرانی*، ص ۶۰؛ قادری حاتم؛ رستم‌وندی، تقی، «اندیشهٔ ایران‌شهری، مختصات و مؤلفه‌های مفهومی»، *فصلنامه علوم انسانی*، س ۱۶، ش ۵۹، ص ۱۳۴.
۱۶. بندهش، ص ۴۹ و ۱۱۱؛ بهار، مهرداد، *جستاری چند در فرهنگ ایران*، ص ۶ و ۷؛ همو، پژوهشی در *اساطیر ایران*، ص ۷۲.
۱۷. یسنا، ۳۴، ۲؛ یشتها، ۱: ۲۲؛ *شناخت اساطیر ایران*، ص ۷۲.
۱۸. *دانشنامهٔ مزدیسنا*، ص ۳۱۶؛ پورداد، ابراهیم، یشتها، ج ۱، ص ۸؛ ساموئل نیبرگ، هنریک، *دین‌های ایران باستان*، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، ص ۱۲۴ و ۱۲۵؛ دیدی نو از دینی کهن، ص ۱۵.
۱۹. یسنا، ۳۰، ۸؛ یشتها ج ۱، ص ۹۲؛ آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد، *اسطورهٔ زندگی زردشت*، ص ۱۶؛ شریف، میان محمد، *تاریخ فلسفه در اسلام*، ج ۲، ص ۱۷۳؛ بندهش، ص ۱۱۰؛ *شناخت اساطیر ایران*، ص ۷۴؛ مجتبابی، فتح‌الله، *شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان*، ص ۱۵۱.
۲۰. یسنا، ۴۱، ۲؛ عقیقی، رحیم، *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*، ص ۵۶۸؛ بندهش، ص ۱۱۲؛ آموزگار، ژاله، *تاریخ اساطیر ایران*، ص ۱۶؛ *شناخت اساطیر ایران*، ص ۷۴.
۲۱. یسنا، ۴۵، ۷؛ یشتها، ۱۰: ۱۲۵؛ بندهش، ص ۴۹ و ۱۱۲، *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*، ص ۲۱۳؛ بیرونی، ابوریحان، *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت صیرفی، ص ۲۵۱؛ *شناخت اساطیر ایران*، ص ۷۴.
۲۲. وحیدی، حسین، «تداوم فلسفهٔ باستانی ایران در دوران اسلامی»، *نشریه کاوه*، ش ۶۸، ص ۱۶ و ۱۷.
۲۳. یشتها ج ۱، ص ۳۰۹؛ بندهش، ص ۱۱۲؛ پژوهشی در *اساطیر ایران*، ص ۱۵۰؛ *شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان*، ص ۵۳، ۹۱.
۲۴. *دانشنامهٔ مزدیسنا*، ص ۴۴۸؛ بندهش، ص ۱۱۳؛ پژوهشی در *اساطیر ایران*، ص ۷۳؛ *شناخت اساطیر ایران*، ص ۷۴ و ۷۵؛ *فلسفهٔ ایران باستان*، ص ۱۰۴؛ دیدی نو از دینی کهن، ص ۱۶.

۲۵. یسنا، ۱۳: ۳۱ و ۲۱: ۵۱؛ فلسفه ایران باستان، ۱۰۴؛ اکبری مفاخر، آرش، «هستی‌شناسی دیوان در حماسه‌های ملی بر پایه شاهنامه فردوسی»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۱، ص ۶۴؛ بنقل از روایت پهلوی، ج ۸، ص ۲.
۲۶. یسنا، ۴۶: ۱۲ و ۴۷: ۳ و ۵۱: ۲۱؛ یشتها، ۱: ۲۷؛ بندهش، ص ۱۱۳؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۴ و ۷۵.
۲۷. یسنا، ۴۵: ۴؛ بندهش، ص ۴۹؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۴ و ۷۵؛ اعتماد مقدم، علیقلی، آیین و رسم‌های ایرانیان باستان، ص ۴۷۷.
۲۸. ون‌دیاد، ۲: ۱۰ - ۱۸؛ بندهش، ص ۴۹؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۴ و ۷۵؛ تاریخ کیش زرتشت، ص ۲۸۶.
۲۹. دانشنامه مزدیسنا، ص ۲۱۲؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۵؛ دیدی نواز دینی کهن، ص ۱۶.
۳۰. بندهش، ص ۱۱۵؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۵؛ آثار الباقیه، ص ۲۸۶؛ فلسفه ایران باستان، ص ۱۰۵.
۳۱. یسنا، ۳۳: ۸ و ۵۱: ۷ و ۳۴: ۱ - ۱۱ و ۴۵: ۵ - ۱۰ و ۴۷: ۱؛ پژوهشی در اساطیر ایران، ۷۳؛ دیدی نواز دینی کهن، ص ۱۶.
۳۲. یشتها، ۱۹: ۹۶؛ بندهش، ص ۴۹ و ۱۱۵؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۵.
۳۳. دانشنامه مزدیسنا، ص ۳۰۲؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۵.
۳۴. یسنا، ۳۴: ۱ و ۱۱؛ شناخت اساطیر ایران، ص ۷۵.
۳۵. یسنا، ۳۳: ۸ و ۵۱: ۷ و ۳۴: ۱ - ۱۱ و ۴۵: ۵ - ۱۰ و ۴۷: ۱؛ پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۷۳؛ دیدی نواز دینی کهن، ص ۱۶.
۳۶. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۴۶۰.
۳۷. این واژه در اصل بمعنای «بت» است که در آثار سهروردی بمعنای پیکر و طلسم آمده است. وی هر یک از عناصر و امور طبیعی را پیکر و صنمی برای رب‌النوع خود بشمار می‌آورد.
۳۸. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۱۵۷.
۳۹. بنا به باوری رایج و مقبول نزد پیشینیان اصل و اساس جهان طبیعت چهار ماده «آب، باد، خاک و آتش» بوده‌اند که این مواد چهارگانه به «عناصر اربعه» یا «چهار آخشیجان» معروف هستند.
۴۰. این واژه در اصل یونانی و معرب است و بمعنای تمزیج قوای فعاله سماوی به قوای منفعله زمینی (دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ذیل طلسم). همچنین بمعنای شکل، صورت و جسم است و منظور سهروردی این است که هر یک از عناصر و امور طبیعی بمنزله صورت گیتیانه و دنیوی رب‌النوع خود و یا همچون کالبدی برای انوار قاهره عرضیه است.
۴۱. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۱۹۳.
۴۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۹.
۴۳. آفاق تفکر معنوی در ایران اسلامی، ص ۲۲۲؛ تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۲۹۲؛ امام، سیدمحمد کاظم، فلسفه در ایران باستان و مبانی حکمة الاشراق و افکار و آثار و تاریخچه زندگی سهروردی، ص ۹۴.
- ۱۶۶ ۴۴. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۱۹۹.
۴۵. این واژه بمعنای «فرزندان سه‌گانه» و مراد از آن جماد، گیاه و حیوان است که از پیوند و تزویج «آب‌اء علوی» یعنی پدران هفتگانه آسمانی یا همان افلاک هفتگانه (ماه، تیر، ناهید، آفتاب، بهرام، برجیس و کیوان) با «امهات اربعه» یا عناصر چهارگانه (خاک، آب، باد و آتش) است.
۴۶. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۱۵۷.
۴۷. همانجا.
۴۸. معین، محمد، مزدیسنا و ادب پارسی، ص ۲۸۰ - ۲۸۲.

۴۹. این واژه - که به گمان قوی مرکب از دو واژه «هور» به معنی خورشید و «رخش» یا «خشیتی» به معنی درخشان است - لفظی است که به خورشید اطلاق میشود و تا آنجا که میدانیم نخستین کسی که از این اصطلاح استفاده کرده شیخ اشراق بوده است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل هورخش).
۵۰. بزرگترین جرم نورانی، خورشید.

### منابع فارسی:

۱. اعتماد مقدم، علیقلی، آیین و رسم‌های ایرانیان باستان بر بنیاد شاهنامه فردوسی، تهران، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۲۵۳۵.
۲. اکبری مفاخر، آرش، «هستی‌شناسی دیوان در حماسه‌های ملی بر پایه شاهنامه فردوسی»، کاوش‌نامه زیان و ادبیات فارسی، ش ۲۱، ص ۶۱-۸۸، ۱۳۸۹.
۳. امام، سید محمدکاظم، فلسفه در ایران باستان و مبانی حکمة‌الاشراق و افکار و آثار و تاریخچه زندگانی سهروردی، تهران، بنیاد نیکوکاری نوریانی، ۱۳۵۳.
۴. آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیر ایران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
۵. \_\_\_\_\_؛ تفضلی، احمد، اسطوره زندگی زردشت، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۴.
۶. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۷. ایرانی، دین‌شاه، فلسفه ایران باستان، چ پنجم، تهران، فروهر، ۱۳۶۱.
۸. بهار، مهرداد، ادیان آسیایی، چ دوم، تهران، نشر چشمه، چ ۲، ۱۳۷۵.
۹. \_\_\_\_\_، بندهش، تهران، انتشارات طوس، چ ۲، ۱۳۸۰.
۱۰. \_\_\_\_\_، پژوهشی در اساطیر ایران، چ ۶، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۶.
۱۱. \_\_\_\_\_، جستاری چند در فرهنگ ایران، چ ۳، تهران، انتشارات فکر روز.
۱۲. بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، چ ۲، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۷۶.
۱۳. \_\_\_\_\_، زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، انتشارات ققنوس، چ ۹، ۱۳۸۶.
۱۴. بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت صیرفی، چ ۶، تهران، کتابخانه خیام.
۱۵. پانوسی، استفان، تأثیر فرهنگ و جهان‌بینی ایرانی بر افلاطون، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱.
۱۶. پورداد، ابراهیم، گاتاها، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
۱۷. \_\_\_\_\_، پشت‌ها، بکوشش ابراهیم فره‌وش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۳، ۱۳۵۶.
۱۸. ناقب‌فر، مرتضی، شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۷.
۱۹. خورشیدیان، اردشیر، جهان‌بینی اشو زرتشت، پیام‌آور ایرانی، تهران، فروهر، چ ۱، ۱۳۸۳.
۲۰. دوست‌خواه، جلیل، گزارش و پژوهش اوستا، تهران، نشر مروارید، چ ۱۰، ۱۳۸۵.
۲۱. ساموئل نیبرگ، هنریک، دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها، ۱۳۵۵.
۲۲. سجادی، سید جعفر، شهاب‌الدین سهروردی و سیری در فلسفه اشراق، تهران، انتشارات فلسفه، ۱۳۶۳.
۲۳. سخایی، مژگان، «آموزه توحید در دین زرتشتی»، حکمت سینوی، ش ۲۳، ۱۳۸۲.
۲۴. سرکاراتی، بهمن، «بنیان اساطیری حماسه ملی ایران»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش ۱۲۵، ۱۳۵۷.

۱۶۷



سال هشتم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۷  
صفحات ۱۴۷-۱۶۸

نادیا مفتونی، مرتضی دوردی جوان؛ بازتاب اندیشه امشاسپندان در نظریه ارباب انواع شیخ اشراق

۲۵. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تصحیح نجفقلی حبیبی و هانری کرین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱-۴، ۱۳۷۲.
۲۶. شریف، میان محمد، *تاریخ فلسفه در اسلام*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۲، ۱۳۶۵.
۲۷. شیر خدایی، ملیحه؛ قنبری، بخش علی، «نام‌های اهورامزدا در اوستا»، *پژوهش‌نامه ادیان*، ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۱.
۲۸. طباطبائی، سید جواد، *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۹. عالیخانی، بابک، «مسالك سبعة، حکمة الاشراق سهروردی»، *جاویدان خرد*، ش ۱۰، ۱۳۸۸.
۳۰. \_\_\_\_\_، «هورقلیا در نزد سهروردی»، *جاویدان خرد*، ش ۱۵، ۱۳۸۹.
۳۱. \_\_\_\_\_، *بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی*، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۷۹.
۳۲. عقیقی، رحیم، *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۴.
۳۳. غفاری، محمدخالد، *فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
۳۴. قادری، حاتم؛ رستم‌وندی، تقی، «اندیشه ایران‌شهری، مختصات و مؤلفه‌های مفهومی»، *فصلنامه علوم انسانی*، س ۱۶، ش ۵۹، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۵.
۳۵. کرین، هانری، *آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، آگاه، ۱۳۷۱.
۳۶. \_\_\_\_\_، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جواد طباطبائی، انجمن ایران‌شناسی فرانسه، انتشارات کویر، ج ۳، ۱۳۸۰.
۳۷. مجتبابی، فتح‌الله، *شهر زیبای افلاطون و شاهي آرمانی در ایران باستان*، تهران، انجمن فرهنگ ایران باستان، ۱۳۵۲.
۳۸. مزدپور، کتابون، *شایست ناشایست*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.
۳۹. معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۶، ۱۳۶۳.
۴۰. \_\_\_\_\_، *مزدیسنا و ادب پارسی*، بکوشش مهدخت معین، تهران، دانشگاه تهران، ج ۴، ۱۳۸۴.
۴۱. مکنزی، دیویدنیل، *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱، ۱۳۷۳.
۴۲. مهر، فرهنگ، *دیدنی نواز دینی کهن، فلسفه زرتشت*، تهران، انتشارات جامی، ج ۶، ۱۳۸۴.
۴۳. هینلز، جان، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد فضل‌ی، تهران، نشر چشمه، ج ۳، ۱۳۷۳.
۴۴. وحیدی، حسین، «تداوم فلسفه باستانی ایران در دوران اسلامی»، *کاووه (مونیخ)*، ش ۶۸، ۱۳۵۷.

## منبع آلمانی:

1. Christian, *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin, Bartholomae, 1967.